



## تحلیلی زبان‌شناختی از پدیده «بدگویی/غیبت»

فاطمه یگانه<sup>۱\*</sup>

فرهاد ساسانی<sup>۲</sup>

مقاله پژوهشی

### چکیده

بدگویی یا غیبت پدیده‌ای اجتماعی است چرا که در جریان ارتباط و سوءاستفاده از شرایط نابرابر در میان افراد شکل می‌گیرد؛ پدیده‌ای شناختی است چرا که در پی اثرگذاری بر ذهن و در نتیجه کنترل عملکرد افراد است؛ و پدیده‌ای گفتمانی است چرا که در زبان تجلی می‌یابد. در این پژوهش با تحلیل ۱۶ مورد از غیبت‌هایی که در خلال رخدادهای کلامی بزرگ‌تر انجام گرفته‌اند به بررسی گفتمانی این پدیده می‌پردازیم. برای این منظور ضمن تحلیل "گام"‌های شکل‌دهنده غیبت و ارائه الگو(ها)ی چینش "گامک"‌ها در آن بر طبق دیدگاه بایبر، کارنر و اُپتون (۲۰۰۷)، و ساسانی و یزدانی (۱۳۹۲)، به چگونگی بهره‌برداری غیبت‌کنندگان از راهبرد دستکاری برای رسیدن به مقصود خود نیز اشاره می‌کنیم. تقطیع غیبت‌ها نشان داد غیبت ۶ گام اصلی دارد که هر کدام راهبردهای خود را دارند. غیبت‌کننده با توسل به راهبرد دستکاری می‌کوشد بر شناخت مخاطب تأثیر گذارد و او را به اندیشیدن و عمل کردن در جهتی که مقصود خود است وا دارد.

**کلیدواژه‌ها:** کاربردشناسی، تحلیل گام، چینش متن، راهبرد دستکاری، غیبت، بدگویی.

✉ f.fatemeyegane@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای زبان شناسی، دانشگاه الزهرا\*

✉ fsasani@alzahra.ac.ir

۲- دانشیار دانشگاه الزهرا

## ۱- مقدمه

به بدگویی یا غیبت بیش‌تر از منظری اخلاقی و دینی پرداخته شده است؛ برای نمونه فیض کاشانی، (۱۳۷۲: ۲۵۵ [۵۰۴۶ق.]); نراقی، (۱۳۷۸: ۴۴۴ [۵۱۲۳۹ق.]). از جمله پژوهش‌های متأخر که باز هم نگاهی اخلاقی به این پدیده دارند می‌توان به پژوهش غیاس الاحمد (۲۰۱۲) اشاره کرد که به غیبت در خلال چگونگی فتوهای اهل سنت در حفظ حریم خصوصی افراد در مسائل پزشکی و پژوهشی می‌پردازد. نعمت الله و همکاران (۲۰۱۳) نیز به این موضوع در ضمن توسعه الگوی فرهنگ سازمانی از منظر اسلام و بیان ویژگی‌های آن توجه کرده‌اند. تعداد بی‌شمار کتاب اخلاقی که به "غیبت" به‌طور مجزا و یا در کنار دیگر موضوعات اخلاقی پرداخته‌اند، اهمیت این مسئله را در تربیت اخلاقی و اسلامی در فرهنگ ما نشان می‌دهد، از این‌رو در این پژوهش برآنیم تا این بار از منظری زبان‌شناختی غیبت را بررسی نماییم که می‌تواند تعاملی باشد در پژوهش‌های حوزه علوم اخلاقی و تربیتی با پژوهش‌های زبان‌شناختی. در این پژوهش ساختار متنی ۱۶ رخداد غیبت تحلیل شده است. گفتمان غیبت در قالب واحدهای ارتباطی مختلف شکل‌دهنده آن، یعنی «گام‌ها» و «گامک‌ها» و چگونگی چینش آنها بررسی شده است. برای تحلیل گام‌های شکل‌دهنده غیبت و ارائه الگو(ها)ی چینش گام‌ها و گامک‌ها در آن، دیدگاه بایبر، کارنر و اُپتون (۲۰۰۷) و ساسانی و یزدانی (۱۳۹۲) مورد استفاده قرار گرفته است. گفتمانی است این شیوه تحلیل متن اغلب به منظور آموزش شیوه نگارش در یک ژانر خاص به‌کار رفته، ولی این پژوهش، در اقدامی نوآورانه، از این شیوه برای توصیف گفتمان شفاهی غیبت استفاده شده است. این پژوهش غیبت را به‌عنوان نوعی "ژانر" زبانی مورد تحلیل قرار داده است، پس لازم است درباره‌ی این اصطلاح و چرایی در نظرگرفتن غیبت به‌عنوان یک ژانر توضیحاتی ارائه گردد. تعبیر گوپه<sup>۱</sup> و ژانر برای اشاره به تنوعات زبانی مرتبط با موقعیت‌های کاربرد زبان و اهداف ارتباطی آن به‌کار می‌روند. در برخی مطالعات این دو اصطلاح معادل هم در نظر گرفته شده‌اند، ولی برخی نیز این دو را از هم متمایز کرده‌اند هر چند آشکارا به بیان تمایز آن نپرداخته‌اند، برای مثال باهاتیا<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، سوئلیز<sup>۳</sup> (۲۰۰۴). برخی نیز چون فرگوسن<sup>۴</sup> (۱۹۸۳)، هایمز<sup>۵</sup> (۱۹۸۴)، کونارد<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) و بایبر و همکاران<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) منحصراً اصطلاح گوپه را به‌کار برده‌اند. ونتولا<sup>۸</sup> (۱۹۸۴) و مارتین<sup>۹</sup> (۱۹۸۵) از اصطلاح ژانر و گوپه به‌عنوان بسترهای نشانه‌شناختی<sup>۱۰</sup> یاد می‌کنند: ژانر، بستر محتوایی<sup>۱۱</sup> گوپه و گوپه، بستر بیان<sup>۱۲</sup> ژانر است و ژانر به‌نوبه خود بستر محتوایی زبان است. اصطلاح ژانر برای اشاره به «شکل

1. Register
2. Bhatia
3. Swales
4. Ferguson
5. Hymes
6. Conard
7. Biber et al
8. Ventola
9. Martin
10. semiotic planes
11. content-plane
12. expression-plane

پیام<sup>۱</sup> که بر حسب ساختار درونی قراردادی شده در یک فرهنگ شناخته می‌شود به کار می‌رود. به بیان بازمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) ژانر «قابی است برای کنش اجتماعی»<sup>۳</sup>. با این اوصاف گویی می‌توان غیبت را یک «ژانر» زبانی در نظر گرفت و ساختار آن را در قالب گام‌های شکل‌دهنده آن تحلیل کرد.

### ۱-۱- پیشینه پژوهش

از پژوهش‌هایی که به تحلیل متن در ژانرهای مختلف با توجه به چینش بخش‌های تشکیل‌دهنده آن (تحلیل گام) پرداخته‌اند می‌توان سوئیلز (۱۹۹۰)، اوپتون و کارنر (۲۰۰۱)، دینگ (۲۰۰۷)، حسرتی و همکاران (۲۰۱۰)، مهرپور و مهرزاد (۲۰۱۳)، ساسانی و یزدانی (۱۳۹۲)، رفیعی‌نژاد (۱۳۹۳)، ساسانی و حسینی (۱۳۹۵) را نام برد؛ گفتنی است در تمامی این موارد، متون نوشتاری تحلیل شده است. از این‌رو تا آنجا که نگارندگان بررسی کرده‌اند، تحلیل گفتار با این شیوه کاری است که در این پژوهش انجام گرفته است.

### ۲- گردآوری داده‌ها و روش پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، در این پژوهش به تحلیل گام‌های شکل‌دهنده غیبت و ارائه الگو(ها)ی چینش گام‌ها و گامک‌ها در آن طبق دیدگاه بایر، کارنر و اُپتون (۲۰۰۷) و ساسانی و یزدانی (۱۳۹۲) خواهیم پرداخت. برای این منظور غیبت‌هایی که در خلال گفت‌وگوهای روزمره افراد یعنی در جریان رخداد‌های کلامی بزرگ‌تر انجام گرفته بودند، در یک بازه زمانی شش‌ماهه، به صورت صوتی و یا نوشتاری ضبط و ثبت شد. برای دستیابی به داده‌های طبیعی، غیبت‌کنندگان در جریان ثبت گفته‌های خود نبودند ولی برای رعایت اخلاق در پژوهش پس از ثبت داده‌ها، موضوع به اطلاع آنها رسید و بیش از نیمی از داده‌ها به دلیل عدم رضایت افراد، از مجموعه گردآوری شده کنار گذاشته شد، هر چند در محک تحلیل داده‌ها مورد توجه قرار گرفت. به این ترتیب تعداد ۱۶ گفت‌وگو گردآوری شد. نام افراد در غیبت‌ها برای حفظ حریم شخصی‌شان، به نام‌های دیگری تغییر یافت. در این پژوهش متغیر جنسیت مورد نظر نبوده است، هرچند می‌توان این پژوهش را بر مبنای متغیر جنسیت نیز انجام داد. سن شرکت‌کنندگان در این گفت‌وگوها بین ۲۵ تا ۴۰ سال بود، به این ترتیب سن نیز ملاک عمل قرار نگرفت. گفت‌وگوها دو نفره تا هفت نفره، و غالباً دو نفره بودند. متن غیبت‌ها بر مبنای رویکرد یادشده تقطیع شد، و گام‌ها و گامک‌های سازنده آنها مشخص گردید. در مرحله بعد، چگونگی بهره‌برداری غیبت‌کنندگان از راهبرد دستکاری<sup>۴</sup> برای رسیدن به مقصود خود بررسی شد. در ادامه، پس از معرفی رویکرد مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل داده‌ها ارائه می‌شود.

1. message type
2. Bazerman
3. frame for social action
4. manipulation strategy

### ۳- تحلیل گام

تحلیل ژانر با استفاده از گام‌های آن را سوئیلز (۱۹۸۱) برای توضیح الگوهای سازماندهی مقالات پژوهشی بنا نهاد. هدف این کار ترسیم اهداف ارتباطی یک متن از طریق دسته‌بندی واحدهای گفتمانی مختلف درون یک متن بر مبنای اهداف ارتباطی آن گام‌ها است. بنابراین «گام» اشاره به بخشی از متن دارد که نقش ارتباطی خاصی اجرا می‌کند و نه تنها هدف خاص خود را دارد بلکه در به ثمر رساندن هدف کلی ژانر نیز سهیم است. به تعبیر سوئیلز (۱۹۹۰) این اهداف در مجموع «منطق» ژانر را می‌سازند. منطق ژانر نیز به نوبه خود شکل‌دهنده ساختار طرح‌واره‌ای<sup>۲</sup> گفتمان بوده، بر انتخاب محتوا<sup>۳</sup> و سبک نگارش<sup>۴</sup> متون ژانر تأثیرگذار است. و نیز محدودیت‌هایی بر آن اعمال می‌کند و «الگوهای متنوعی از شباهت ساختاری، سبکی، محتوایی و مخاطبین هدف<sup>۵</sup>» را به نمایش می‌گذارد.

بایبر و همکاران (۲۰۰۷: ۳۲) می‌نویسند تحلیل گام<sup>۶</sup> نشان می‌دهد ژانرها از اجزای نقشی قابل تشخیص و تا حد زیادی قابل پیش‌بینی یعنی از «گام‌ها»<sup>۷</sup> مشخص تشکیل شده‌اند. برای مثال مقدمه یک مقاله به‌طور معمول متشکل از سه نوع سخن‌گستری<sup>۸</sup> است: تعیین حوزه<sup>۹</sup>، بنیان‌گذاردن یک جایگاه<sup>۱۰</sup>، و رسیدن به آن جایگاه<sup>۱۱</sup>. کانر و درایکر (۱۹۹۵) بر این باورند که در تحلیل گام، الگوهای عام سازمان‌دهنده متن غالباً به شکل مجموعه‌ای از گام‌ها توصیف می‌شوند. گام‌ها واحدهای نقشی یک متن‌اند که به همراه یکدیگر هدف ارتباطی کلی ژانر را به ثمر می‌رسانند.

کانر و موران (۱۹۹۹) بیان می‌دارند که گام‌ها می‌توانند از لحاظ اندازه متفاوت باشند اما به‌طور معمول حداقل از یک گزاره<sup>۱۲</sup> تشکیل شده‌اند. برخی انواع گام‌ها نسبت به انواع دیگر مرتب در یک ژانر دیده می‌شوند، این گام‌ها را می‌توان «متداول<sup>۱۳</sup>» نامید، در مقابل گام‌های دیگری هستند که به آن اندازه حضورشان در ژانر متداول نیست، این گام‌ها را «اختیاری/ممکن<sup>۱۴</sup>» می‌نامند. گام می‌تواند شامل عناصر متعددی باشد که به همراه یکدیگر و یا با ترکیبی خاص، آن را شکل می‌دهند. سوئیلز (۱۹۹۰) این عناصر را گامک<sup>۱۵</sup> می‌نامد و باهاتیا (۱۹۹۳) آن را استراتژی<sup>۱۶</sup> می‌خواند. نقش اولیه گامک‌های یک گام، به ثمر رساندن هدف گامی است که به

1. move
2. Schematic
3. Content
4. Style
5. Intended audience
6. move analysis
7. Rhetorical move type
8. Establishing territory
9. Establishing a niche
10. Occupying the niche
11. Proposition
12. Conventional
13. Optional
14. step
15. Strategies

آن تعلق دارند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت، گام‌ها واحدهای معنایی و نقشی متن‌ها هستند که هدف‌های خاص ارتباطی دارند؛ از این گذشته، گام‌ها به‌طور معمول مرزهای زبانی متمایزی دارند که موجب می‌شود بتوان آنها را به‌طور عینی تحلیل کرد. به اعتقاد باهاتیا (۱۹۹۳) ساختار گام<sup>۱</sup> یک ژانر جزو ویژگی‌های آن ژانر است و چیزی نیست که خواننده آن را بسازد. این ساختار از طریق اهداف ارتباطی متن کنترل می‌شود و دلیل نهفته و زیرین تفاوت یک ژانر با ژانر دیگر است.

در گفتمان شفاهی<sup>۲</sup> به‌ویژه مکالمه تعیین این که چه چیزی موضوع جدید را می‌سازد کار دشواری است. چنانچه تنن (۱۹۸۴) عنوان می‌کند مرز تغییر موضوع در مکالمه همیشه واضح و قابل تشخیص نیست و آغاز موضوع جدید اغلب نامشخص است (تنن ۱۹۸۴، ۱۹۸۹؛ فان دیک، ۱۹۹۷).

اوپتون و کوهن (۲۰۰۹) می‌نویسند در رویکرد بی‌سی‌یو (بایبر، کارنر و اُپتون) نخستین اقدام تعیین هدف ژانر و نقشی است که هر قسمت در متن بر عهده دارد، و نیز مشخص کردن انواع گام‌های ژانر، و گامک‌های سازنده هر گام. بایبر، کارنر و اوپتون (۲۰۰۷) نیز در رویکرد تحلیل گام به تعیین هدف ارتباطی و کاربردی ژانر مورد نظر، تقسیم متن به گام‌های مختلف و مشخص کردن نوع گامک‌های سازنده گام‌های متن می‌پردازند. ساسانی و یزدانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود مراتب مختلف چینش یک متن را با اصطلاحات "گام" و "گامک" تحلیل می‌کنند که به ترتیب معادل "move" و "step" در پژوهش بایبر، کارنر و اُپتون است. در پژوهش حاضر نیز همین اصطلاحات به کار گرفته شده است.

#### ۴- تحلیل گام در غیبت/بدگویی

بر مبنای تحلیل داده‌های پژوهش، برای بدگویی/ غیبت می‌توان ۶ گام اصلی قائل شد: «گام پیش‌درآمد، گام بدگویی/ غیبت، گام ناهمراهی، گام گریز، گام دلداری و گام پایان». هر کدام از این گام‌ها شیوه‌های گسترش خود را دارند. گام بدگویی/ غیبت که بزرگ‌ترین گام در این دست گفت‌وگوهاست خود از ۴ گامک تشکیل می‌شود که عبارت است از «گامک انگیزه، گامک همراهی، گامک چرایی، و گامک تعلیق». در ادامه هر یک از موارد به تفصیل و با ارائه مثال معرفی می‌شوند. عددهای درون پرانتزها در مقابل هر نمونه اشاره به شماره متن داده‌های تحلیل شده دارد.

#### ۴-۱- گام پیش‌درآمد

پیش‌درآمد گامی است که در آن قصد بدگویی/ غیبت وجود ندارد، و اغلب به قصد «درخواست اطلاعات یا دادن اطلاعات، کسب آگاهی، یا تقاضای انجام کاری» صورت می‌گیرد ولی همین موارد، گفت‌وگو را در آستانه بدگویی/ غیبت قرار می‌دهد. این گام در موارد قابل توجهی از گفت‌وگوهای منجر به بدگویی/ غیبت وجود دارد. در مثال‌های ۱ تا ۵ نمونه‌هایی از گام پیش‌درآمد آورده شده است، همان گونه که مشاهده می‌شود، این گام به

1. Move structuring  
2. spoken discourse

قصه بدگویی / غیبت انجام نشده است. در این مثال‌ها قصد افراد به ترتیب «تقاضای انجام کاری»، «درخواست اطلاعات»، «دادن اطلاعات»، «پرسش»، و «توصیه و نصیحت» بوده است:

- (۱) بیا تو واسه فروزان چایی ببر. (متن ۱)
- (۲) میگه نادر سخته کرده! (متن ۴)
- (۳) مریم! این دختره واقعا هم خیلی خوشگله هم خیلی خوش‌استیل! (متن ۱۴)
- (۴) به چی می‌خندین؟ (متن ۵)
- (۵) اصلا سعی کن میری اونجا صم بکم باشی. (متن ۹)

#### ۴-۲- گام بدگویی / غیبت

وقتی گفت‌وگویی به سمت بدگویی / غیبت هدایت می‌شود طبیعی است بزرگترین گام، گام بدگویی / غیبت باشد. از این‌رو این گام خود از ۴ گامک تشکیل می‌شود که عبارت است از: گامک انگیزه، گامک همراهی، گامک چرایی، و گامک تعلیق.

#### ۴-۲-۱ گامک انگیزه

گامکی است که در تمامی موارد بدگویی / غیبت حتماً وجود دارد، و از سوی گوینده و به قصد هدایت گفت‌وگو به سمت بدگویی / غیبت و همراه کردن مخاطب یا مخاطبان در بدگویی / غیبت انجام می‌گیرد. در صورتی که تعداد مخاطبان بیش از دو نفر باشد، گامک انگیزه می‌تواند از سوی بیش از یک نفر ایجاد شود. چنانچه مخاطب یا مخاطبان به این گامک پاسخ مثبت دهند و آن را بپذیرند، گامک همراهی شکل می‌گیرد و بدگویی / غیبت آغاز می‌شود. ولی چنانچه گوینده نتواند به مقصود خود برسد، و با ناهمراهی مخاطب مواجه شود. با توجه به این که ناهمراهی با چه راهبردی صورت گرفته است و این راهبرد تا چه اندازه قوی بوده است گامک انگیزه را باز هم تکرار خواهد کرد، یعنی گامک انگیزه در این موارد به‌طور گسسته ظاهر می‌شود، مانند نمونه شماره ۶ گامک گسسته انگیزه در هر بار گسستگی با راهبردهای مختلفی از سمت گوینده تقویت می‌شود. این می‌تواند به تلفیق این گامک با گامک چرایی و گامک همراهی بینجامد. نمونه‌ای از گسست در گامک انگیزه و تلفیق آن با گامک چرایی و گامک همراهی در بدگویی / غیبت به دلیل تعلیق در همراهی از سوی مخاطب در نمونه شماره ۶ (متن ۴) آمده است:

(۶) الف) میگه نادر سخته کرده!

ب) آره مگه تو نمی‌دونستی؟

الف) نه. خب چرا نگفته بودی؟

ب) مهم نبود! هشتاد سالشه، به پرهیز غذایی هم که اعتقاد نداره.

[تعجب الف و تعلیق همراهی]

ب) از صبح تا شب هم که داره به جون فرخنده بدبخت غر میزنه، یه سخته هم می‌خواستنه نکنه!

[تعجب الف و تعلیق همراهی]

(ب) ملت دارن جوون جوون می‌میرن، این که پیره! چه توقع‌هایی دارن!

(الف) [خنده و تعجب الف] تو که این جوری نبودی!! خودتی؟!!

(ب) خب حالا شدم. بعدم مگه من گفتم سخته کنه! یا مگه من به سخته کردنش راضی بودم!  
یا مگه من سخته ش دادم!

گسستگی به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. راهبردهایی که گامک انگیزه از طریق آنها بیان می‌شود عبارت است از «زمینه‌چینی؛ سنجش (ارزیابی تمایل مخاطبان گفت‌وگو به انجام بدگویی / غیبت)؛ تمسخر یا شوخی و بذله‌گویی؛ ترغیب و تحریک». برخی مواقع ممکن است در یک گام یا گامک همزمان از دو یا چند راهبرد استفاده شده باشد. برای مثال شماره ۸ همزمان از راهبرد تمسخر یا بذله‌گویی و سنجش برای ایجاد انگیزه بهره برده است. شماره ۷ نمونه‌ای از زمینه‌چینی، و شماره ۹ مثالی از ترغیب و تحریک است.

(۷) می‌خواستیم عید بریم خنوشون. حالیت شد که، گفت می‌خوام نیایید! (متن ۱۰)

(۸) گودبای پارتی دایی‌تونو حال کردین خدایی؟! [در گفت‌وگو از یک مراسم سالگرد فوت] (متن ۳)

(۹) ای نیای به خوابم! دیدیش!! خودشو کرده بود عین ننه آل! [پشت سر مسافری که در اتوبوس در ایستگاهی پیاده می‌شود] (متن ۶)

#### ۴-۲-۴- گامک همراهی

همان‌گونه که گفتیم، چنانچه گامک انگیزه مورد پذیرش قرار بگیرد، همراهی شکل می‌گیرد و گام بدگویی / غیبت آغاز می‌شود. مانند مثال شماره ۱۰. همراهی می‌تواند به شکل یک‌سویه یعنی صرفاً همراهی مخاطب با گوینده و یا دوسویه باشد و مخاطب علاوه بر همراهی با گوینده، خود نیز موضوع بدگویی / غیبت دیگری را پیش بکشد تا گوینده با او همراهی کند. مانند مثال شماره ۱۱. غیبت / بدگویی‌های دوگانه ممکن است به شکل ضربدری ادامه یابند مانند مثال ۱۲ و یا بدگویی / غیبت اول تمام شده و بعد بدگویی / غیبت دوم آغاز گردد مانند مثال ۱۱.

(۱۰) نمونه‌ای از پذیرش گامک انگیزه و همراهی در بدگویی / غیبت، (متن ۱):

(الف) بیا تو واسه فروزان چایی ببر. من خوشم نمیاد جلوش خم شم.

(ب) وا! منم خوشم نمیاد جلوی این معرور خانم خم شم. اصلا من موندم این که «نه کمک‌کنه نه گریه‌کن» مهرداد واسه چی آوردش اینجا.

(۱۱) نمونه‌ای از همراهی دوسویه به شکل پایان یکی و شروع دیگری، (متن ۷):

(الف) میترا چقدر بی‌شعوره! بعد از ده پانزده سال منو دیده می‌گه «نازی جون چرا خودتو این شکلی کردی قبلا که قیافت بهتر بود».

- ب) من اگه کرمم اون رنگی بود دیگه دست کم به مردم چیزی نمی‌گفتم. چه اعتماد به نفسی داره!  
 الناز هم مثل خودشون بی‌شعوره، از وقتی وزن کم کرده، مغزشم باش آب شده، برگشته به من می‌گه از همه بدبخت‌تر تویی که سه تا بچه داری!
- الف) وا به اون چه! خرچشونو میده یا زحمتشونو می‌کشه!  
 (۱۲) نمونه‌ای از همراهی دوسویه به شکل ضربدری، (متن ۱۶)
- الف) وای می‌خوام واسه ترم دیگه اتاقمو عوض کنم! دیگه اخلاق ساغر رو نمی‌تونم تحمل کنم! همه کاراش داره میره رو اعصابم. اگه می‌موندم توی اتاق باش دعوام می‌شد. گفتم پیام پیش تو.  
 ب) باز چی شده دوباره؟
- الف) خیلی بی‌شعوره! بش گفته‌ام سرم خیلی شلوغه، باید کارمو تا سه‌شنبه تحویل بدم، بذار اتاقو فردا جارو کنیم. بازم پا شده الان دو ساعت داره جارو می‌کنه. اصلا دارم دیونه می‌شم از دستش!
- ب) انقدر حرص نخور. دیگه هم/اتاقی که اعضای خانواده نیست دلش به حال آدم بسوزه! اونم فکر خودشه. فکر کردی هم/اتاقی من خیلی رعایت‌مو می‌کنه؟! خیلی فرهیخته‌س؟! من خیلی وقتا دارم کوتاه میام، نمی‌شه که هی جر و بحث کرد. هر کس خودش باید شعور داشته باشه. وقتی نداره تو هم نمی‌تونی توی این سن یادش بدی!
- الف) آره واقعا! منم دارم یعنی تحملش می‌کنم این یه هفته هم بگذره می‌رم واسه تابستون یه اتاق دیگه، از دستش راحت شم.
- ب) خوش به حالت باز تو راحت می‌شی من که فعلاً فقط باید این فرهیخته نازنینو تحملش کنم.  
 همراهی اقدامی است که هم از سوی مخاطب و هم از سوی گوینده یا آغازگر مطرح است. و همراهی آنها از طریق راهبردهای مختلف، که باعث ادامه، تقویت، توجیه و گسترش کلام می‌شود، بدگویی/ غیبت را شکل می‌دهد. همراهی راهبردهای مختلفی دارد. تمسخر، توهین، تحقیر، نفرین، ناسزاگویی، خودبهبترینی، تعریف از خود، بیگانه‌سازی خودی‌ها، شوخی و بذله‌گویی، خندیدن‌های جانشین کلام و پرسش و پاسخ برای روشن شدن ابعاد موضوع، همگی از راهبردهای گامک همراهی به حساب می‌آیند. در ادامه نمونه‌هایی از این موارد آورده می‌شود. برخی مواقع ممکن است در یک گامک همزمان از دو یا چند راهبرد استفاده شده باشد.
- (۱۳) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد تمسخر (متن ۲)
- الف) آره خاله اون وقت زیبا می‌گه می‌رن خونه مادرشوهرش یه سیرابی درست می‌کنه انقدر همشون به‌به چه‌چه می‌کنن که نگو.  
 ب) سیما جون چه می‌دونی تو، لابد سیرابی آهوئه!!
- (۱۴) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد نفرین (متن ۲)
- الف) اون وقت خاله، زیبا بدبخت از اینور شوهرش چه غروغرهایی که نمی‌کنه. تازه فرمایش‌های جدیدش فرمودن که به مامانت بگو دست‌پختش بد شده.  
 ب) کوفت بخوره. به اون باید کارد هفت‌سر بذاری تو لقمه بش بدی!



(۱۵) نمونه دیگر از همراهی با راهبرد نفرین (متن ۱۰)

الف) [با ادا]: زنگ می‌زنی زنش برمی‌داره. میگی: «داداش خوبه؟» میگه: «آره آره خوبه. کاری نداری؟ خداحافظ.»

ب) خوب بمیری الهی من که نمی‌خواستم با تو حرف بزنم.

(۱۶) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد ناسزاگویی و بیگانه‌سازی خودی‌ها (متن ۳)

الف) دیگه وقتی هندلینگ مراسم دختردایی اسکولت دست بگیره. توقع داشتن تهش چی از آب دربیاد!

ب) دختردایی خودته؛ به من چه!

الف) دختر دایی خودته!

(۱۷) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد توهین (متن ۱۰)

الف) خوب بود که شما همون موقع به مریم‌اینا می‌گفتین وقتی رفتن سلام شما رو برسونن که بفهمه از یه جا زنگ زده بودید. لاقل ضایع شه یه چند بار. فکر نکنه آدم نمی‌فهمه.

ب) خیال کردی اون حالیشه! که ضایع شه!

(۱۸) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد خودبهبتربینی و تعریف از خود (متن ۱)

الف) واقعا خیلی زشته ها. ما که برده شما نیستیم!

ب) اصلا نمی‌دونم چطوری روشن می‌شه بشینن بقیه جلوشون خم و راست شن. من که خودم اصلا /تقدر معذب می‌شم بخوام بشینم کمک نکنم.

(۱۹) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد پرسش و پاسخ (متن ۸)

الف) یعنی خیلی راحت خودشو با محیط وفق داده. الان می‌گه شوهرم این جور دوست داره. الان دیگه خلاصه همیشه لاک زده و ... خیلی تغییرپذیر. خوشم نیومد از این کاراش.

ب) دیگه دیگه... به خودشم گفتین «تو همونی!»؟

الف) آره به طور ضمنی همه بش گفتیم. گفتیم «وای شادی عکسای جدیدتو! چقدر عوض شدی!»

ب) خب گفت چی؟

(۲۰) نمونه‌ای از همراهی با راهبرد شوخی و بذله‌گویی (متن ۹)

الف) من قبلا این جور نبودم! مثلا خواهرم تعریف می‌کرد از جاریش می‌گفتم «وای شما چقدر خاله زنکید».

ب) /یا خنده/ حالا خودت هم خاله زنگ شدی!

#### ۴-۲-۳- گامک تعلیق

چنانچه اشاره شد، گامک انگیزه در تمام غیبت/ بدگویی‌ها وجود دارد، و به لحاظ ترتیب همیشه نخستین گامک محسوب می‌شود، اما سه گامک دیگر با ترتیب ثابتی ظاهر نمی‌شوند. گامک همراهی و گامک تعلیق در توزیع تکمیلی‌اند، به این معنی که یا همراهی اتفاق می‌افتد و یا این که بدگویی/ غیبت موقتاً به حالت تعلیق در می‌آید

تا بعداً دنبال شود. تعلیق می‌توان از سوی مخاطب و یا خود گوینده صورت بگیرد. تعلیق از سوی مخاطب می‌تواند به دلایلی مثلاً «شگفتی مخاطب از گفته گوینده» صورت بگیرد. نمونه این مورد در مثال ۶ آورده شده است. تعلیق از سوی خود گوینده نیز می‌تواند به دلایلی همچون دلایل مذهبی، نامناسب بودن شرایط و... اتفاق بیفتد. نمونه تعلیق از سوی گوینده در مثال ۲۱ آمده است.

(۲۱) نمونه تعلیق از سوی گوینده (متن ۱۵):

الف) نذار دهنم به غیبت آلوده شه، بعد اذون بت می‌گم.

#### ۴-۲-۴- گامک چرایی

گامک چرایی، بیان علت بدگویی / غیبت است و می‌تواند در برخی موارد وجود نداشته باشد و در موارد دیگر ممکن است به گونه‌ای با گامک انگیزه یا همراهی تلفیق شده باشد که جداکردن آنها ممکن نباشد. چرایی می‌تواند به دلیل مظلوم‌نمایی، اعتراض، دلخوری، کینه، حسادت و... باشد. گاهی چنان‌که توضیح آن گذشت، با گسستگی مواجهیم و به همین دلیل جداکردن گام‌ها و گامک‌ها و قائل‌شدن به یک ترتیب ثابت برای آنها دشوار و یا ناممکن می‌شود.

(۲۲) نمونه‌ای از گامک چرایی (متن ۴):

الف) عیادتشم نیام! خودتون برین. خوشم نمیاد ازش. اونم از من خوشش نمیاد.

(۲۳) نمونه‌ای از گامک چرایی تلفیق‌شده (متن ۱):

الف) ناسلامتی ما صاحب‌عزاییم به‌جای اینکه اون پاشه کارارو بکنه، عین عمه‌شاه نشستیم ما باید جلوش خم‌وراست شیم.

#### ۴-۳- گام ناهمراهی

در برخی موارد پس از طرح گام بدگویی / غیبت، مخاطب در برابر شکل‌گیری آن واکنش نشان می‌دهد و مانع از شکل‌گیری این گام می‌گردد. در این صورت دو امکان به‌وجود می‌آید: یا گام ناهمراهی شکل می‌یابد که مقاومت در برابر شکل‌گیری گام بدگویی / غیبت است، مانند مثال شماره ۲۴؛ و یا گام گریز رخ می‌دهد. در ادامه به توضیح هر یک از این موارد می‌پردازیم:

(۲۴) نمونه‌ای از گام ناهمراهی و مقاومت در برابر شکل‌گیری گام بدگویی / غیبت (متن ۶):

الف) ای نیای به خوابم! دیدیش!! خودشو کرده بود عین ننه آل!

ب) بهاره! به ما چه! به قیافه مردم چکار داری!

ناهمراهی خود راهبردهای مختلفی دارد، از جمله «دفاع از فرد غیبت‌شونده، اخطار به گوینده، نصیحت گوینده و یا فاصله‌گرفتن از جریان بدگویی / غیبت». توجه به این نکته ضروری است که چنانچه فاصله‌گرفتن از جریان بدگویی به شکل هدایت جریان گفتگو به سمت موضوع دیگری باشد، با «گام گریز» مواجهیم ولی

چنانچه «تغییر موضوع» در کار نباشد و صرفاً مقاومت در همراهی با بدگویی/ غیبت باشد، با گام ناهمراهی مواجهیم.

(۲۵) ناهمراهی با فاصله گرفتن از جریان بدگویی/ غیبت (متن ۹):

الف) تو از جاریت تعریف کن ببینیم تو چه جوری شدی؟

ب) من خاطرهای ازش ندارم.

(۲۶) ناهمراهی با راهبرد دفاع از فرد غیبت‌شونده (متن ۱۰):

الف) می‌خواستیم عید بریم خونشون. حالیت شد که. گفت می‌خوام نیایید.

ب) نه بابا اون جوری نگفته. گفته نیایید نگفته می‌خوام نیایید.

(۲۷) ناهمراهی با راهبرد نصیحت گوینده (متن ۶):

الف) نه خب! آقا پولت زیاد کرده، بریز دور. چرا خودتو این شکلی می‌کنی! لباسو دیدی! انقدر ژل زده بود داشت می‌ترکید! خب آخه چرا!

ب) بابا به ما چه، ملت هزار جور بدبختی دارن. همه که از سر خوشی این کارا رو نمی‌کنن. ما چه می‌دونیم این چه زندگی‌ای داره. تو هم نمی‌خواد حرص بخوری، بیا اینو [چیپس] بخور بلکه هم دهنتم مشغول شه، به دو دقیقه سکوت اختیار کنی!

ناهمراهی گامی است که اغلب از سوی مخاطب صورت می‌گیرد ولی در مواردی هم شاهد ناهمراهی گوینده با خود هستیم، مانند مواردی که گوینده از بدگویی/ غیبت خود و یا از بخشی از آن ابراز پشیمانی می‌کند.

(۲۸) ناهمراهی گوینده با خود (متن ۱۴):

الف) اگه خوشگله پس چرا ازدواج نمی‌کنه؟!

ب) تو چقدر بدجنسی! پلید، به تو چه!

الف) خودم از این حرفم خوشم نیومد! ناراحت شدم خودمم که چرا این حرفو زدم.

#### ۴-۴- گام گریز

امکان دیگری که پس از رد گامک انگیزه به وجود می‌آید شکل‌گیری گام گریز است که نوعی ناهمراهی غیرمستقیم به حساب می‌آید و در واقع هدایت‌کننده جریان گفت‌وگو به سمت دیگری است و اغلب می‌تواند به دلایل مذهبی باشد و بیش‌تر در بافت‌هایی که افراد نمی‌خواهند ناهمراهی خود را مستقیماً نشان دهند دیده می‌شود، این بافت‌ها می‌تواند دوستانه باشد و یا حاکی از نابرابری قدرت. گریز نیز راهبردهای مختلفی دارد که «تغییر موضوع» و «واکنش به گفته‌های گوینده، (نه الزاماً واکنش به بدگویی/ غیبت او، بلکه واکنشی فرعی به صحبت او)» را می‌توان از موارد آن نام برد. مثال ۲۹ نمونه‌ای از گام گریز با تغییر موضوع است. در مثال ۳۰ گفته «وا!» به من چه کار داری! از خودت مایه بذار» نمونه‌ای از گریز با واکنش فرعی را نشان می‌دهد.

(۲۹) نمونه‌ای از گام گریز و دوری از بدگویی/ غیبت با تغییر موضوع (متن ۱۷):

الف) از عروستون چه خبر؟ ازش راضی هستین؟  
 ب) کاری به هم نداریم. خودت چه خبر؟ چه کارا می‌کنی یا درسات؟  
 (۳۰) نمونه‌ای از گام گریز با واکنش فرعی (متن ۶):  
 الف) ای نیای به خوابم! دیدیش!! خودشو کرده بود عین ننه آل!  
 ب) بهاره به ما چه! به قیافه مردم چکار داری!  
 الف) من به قیافش کاری ندارم. من و تو هم زشتیم ولی این...  
 ب) وا! به من چه کار داری! از خودت مایه بندار.

پس از گام گریز نیز دو امکان به‌وجود می‌آید. یا گوینده موضوع جدید مطرح شده را می‌پذیرد و از ادامه بدگویی/ غیبت انصراف می‌دهد و یا با تکرار گامک انگیزه بار دیگر موضوع صحبت را به بدگویی/ غیبت برمی‌گرداند. در ناهمراهی نیز با توجه به رابطه دو طرف گفت‌وگو کننده و نیز راهبردی که از سوی مخاطب برای ناهمراهی اتخاذ شده، دو امکان متصور است: چنانچه راهبرد دفاع یا اخطار به اندازه کافی قوی باشد و یا گفت‌وگو کنندگان از لحاظ قدرت نابرابر باشند، بدگویی/ غیبت خاتمه می‌یابد؛ در غیر این صورت، گامک انگیزه به قصد شکستن ناهمراهی مخاطب بارها و بارها می‌تواند تکرار شود.

#### ۴-۵- گام دلداری

دلداری گامی است که از سوی مخاطب انجام می‌پذیرد. وجود این گام همیشگی نیست و با توجه به موضوع گفت‌وگو این گام می‌تواند وجود داشته باشد یا نداشته باشد. در واقع این گام یک گام اختیاری یا ممکن به حساب می‌آید. در صورت وجود گام دلداری، اغلب بدگویی/ غیبت پس از آن به پایان می‌رسد. گام دلداری نیز گاهی با گام بدگویی/ غیبت طوری تلفیق می‌شود که جداکردن آنها ناممکن می‌شود. راهبردهای این گام عبارت است از: نصیحت و خیرخواهی برای گوینده، دعوت گوینده به انجام کاری برای تغییر حال او، و حق دادن به او. در زیر نمونه‌هایی از هر مورد آورده می‌شود.

(۳۱) نمونه‌ای از گام دلداری با راهبرد دعوت به انجام کاری برای تغییر حال گوینده (متن ۱۲):

الف) یعنی دعاکن گیر آدم زبون نفهم بد نیفتی!  
 ب) چرا بابا همه دارن خیالت جمع. تو هم انقدر حرص نخور.  
 الف) یعنی تمام ردایل اخلاقی در این آدم جمع شده. خیلی دلم برای مامانم سوخت، خیلی.  
 ب) [با آهنگ و در اشاره به آهنگی با همین نام؛ نام غیبت‌شونده "ریحانه" است] ای ریحانه ریحانه... پاشو ریحانه ریحانه رو بندار به قری بدیم. انقدر حرص نخور.

(۳۲) نمونه‌ای از گام دلداری آمیخته، با راهبرد حق دادن به گوینده (متن ۷):

الف) النازم مثل خودشون بی‌شعوره. از وقتی وزن کم کرده، مغزشم باش آب شده. برگشته به من می‌گه از همه بدبخت‌تر تویی که سه تا بچه داری!

ب) اون خودش مثل زن بابا می‌مونه با بچه‌هاش بس که بی‌عاطفه و فکرخودشه. اون وقت تو از حرف این ناراحت شدی! منعی نکنی بچه‌های خودشم می‌پره می‌ذاره بهزیستی؛ اون وقت توقع داشتی تشویقت کنه سه تا بچه داری!

(۳۳) نمونه‌ای از گام دلداری با راهبرد نصیحت و خیرخواهی (متن ۲)

الف) مشکلات زندگی مثل توپه، یه مدت دست توئه بعد پاش می‌دی به بعدی، به تو یه توپ دیگه رو می‌دن. این حرف‌های سردی که آدم تو گرفتاری‌هاش می‌شنوه خیلی بده. سیما جون، تو هم حالا مریضی فعلاً نشین هی غصه کارای داداشا و عروسارو بخور. فعلاً بذار مامانت تنها بخوره بعد که خوب شدی باز با هم غصه بخورید. فعلاً تو باید روحیتو حفظ کنی.

#### ۴-۶- گام پایان

گام پایان آخرین گام است، و به دو شکل «آنی» و «تدریجی» نمود می‌یابد. پایان آنی اغلب به دلیل ورود فرد جدید، و یا ناهمراهی قوی از سوی مخاطب به‌وجود می‌آید. در پایان تدریجی پس از اتمام گام بدگویی/ غیبت و در صورت وجود گام دلداری، صحبت‌ها در آستانهٔ پایان و یا ورود به موضوعی دیگر قرار می‌گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از موارد یاد شده، آورده می‌شود.

(۳۴) نمونه‌ای از پایان آنی به دلیل ناهمراهی قوی مخاطب (متن ۵):

الف) به چی می‌خندین؟

ب) الی پرسید چی شده فرخنده، واسه نادر گوسفند کشته...

ج) حرفو درست منتقل کن! نگفتم کشته، گفتم هدر داده! گفتم چی شده فرخنده واسه نادر گوسفند هدر داده؟ از کی تا حالا لیلی مجنون شدن! کتی هم گفت دوستش نداره؛ ترسیده کج و کوله شه بیفته سرش؛ نذرش کرده مبادا بخواد جمعش کنه.

الف) پشت سر فرخنده درست حرف بزنید! خوشم نیومد.

(۳۵) نمونه‌ای از پایان تدریجی با بذله‌گویی (متن ۱۵):

الف) آره این داداش منم متأسفانه بلد نیست زنشو لوس کنه. اونم هی بداخلاقی می‌کنه. ولی این وسط ببخودی به ماهم می‌پره. ما چه گناهی داریم آخه!؟

ب) آره شما گناهی ندارید ولی چه می‌شه کرد! پاشو یه کم قرقر کنیم [باهم برقصیم]، بش فکر نکن!

الف) ولم کن تو هم! کلی درس دارم.

ب) به خاطر خودت گفتم / انقدر می‌شین می‌زخم بستر نگیری!

#### ۵- راهبرد دستکاری و بهره‌وری از آن در غیبت/ بدگویی

دستکاری<sup>۱</sup> را اغلب منبع غیرقانونی سواستفاده از قدرت در نظر می‌گیرند که توسط افراد دست‌بالا در یک رابطه نابرابر قدرت انجام می‌گیرد (فان دیک، ۲۰۰۶). در غیبت/ بدگویی نیز، به دلیل غیاب غیبت‌شونده در زمان غیبت/ بدگویی یک رابطه نابرابر قدرت حاکم است. وری<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) دستکاری را "ترغیب دیگران به فکرکردن، احساس کردن و یا عمل کردن به شکل دلخواه دستکاری‌کننده" توصیف می‌کند. فرکلاف (۲۰۰۱) دستکاری زبانی<sup>۳</sup> را "استفاده آگاهانه از زبان به شیوه‌ای فریبکارانه برای کنترل دیگران" معرفی می‌کند. در غیبت/ بدگویی نیز گوینده برای کنترل نظر و رفتار مخاطبان نسبت به فرد غیبت‌شونده از راهبرد دستکاری بهره می‌گیرد. تکرار گامک انگیزه، در صورت مواجهه با ناهمراهی مخاطب و تقویت و گسترش آن به شیوه‌های مختلف، تلاشی است که گوینده به همین منظور انجام می‌دهد که نمونه‌هایی از آن در شماره‌های (۶) تا (۹) آورده شد.

در سطحی گسترده‌تر در نظام‌های نشانه‌ای، تأثیر نامشروع دستکاری ممکن است به همراه تصویر، عکس، فیلم یا سایر رسانه‌ها به کار بسته شود (ون لیوون، ۲۰۰۵). در واقع بسیاری از دستکاری‌های ارتباطی در عصر ما همچون شیوه‌ای که رسانه‌های جمعی به کار می‌بندند (برای مثال در تبلیغات)، چند رسانه‌ای هستند (دی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹؛ مساریس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). به این قیاس، بدگویی/ غیبت را نیز می‌توان یک دستکاری چندرسانه‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطب و تغییر نظر او درباره غیبت‌شونده قلمداد کرد چرا که غیبت‌کننده (گان) از حالات صورت، بدن، تغییر و تقلید صدا و... برای رسیدن حداکثری به منظور خود بهره می‌گیرند، همان‌طور که در شماره (۱۵) نمونه‌ای از آن آورده شد.

دوسوسور (۲۰۰۵) دستکاری را ایجاد رفتاری خاص در یک فرد به منظور برآوردن خواست و منافع فرد دستکاری‌کننده تعریف می‌کند. بنابراین دستکاری‌کننده در اولین اقدام به دنبال دستکاری جنبه‌هایی از شناخت انسان به‌ویژه استدلال و احساسات اوست. فان دیک (۲۰۰۶) در خصوص جنبه شناختی دستکاری، حافظه کوتاه‌مدت را متأثر از ویژگی‌های روساختی متن می‌داند که در ارائه اطلاعات، اطلاعات مورد پسند را حفظ می‌کند و اطلاعات نخواستیه را حذف می‌نماید. در غیبت نیز توسل به راهکارهایی همچون "بزرگ‌نمایی، مظلوم‌نمایی، ارائه روایتی یک‌جانبه از ماجرا، و ..." تلاشی است برای تحت تأثیر قراردادن شناخت مخاطب، برای مثال شماره (۱۸) از متن (۱) گویای این مطلب است. استفاده از کلام مبالغه‌آمیز و بزرگ‌نمایی، تمسخر، نفرین، بازی با آهنگ کلام، تکیه برجسته و ... نیز در بدگویی/ غیبت برای تأثیرگذاری در حافظه کوتاه‌مدت است. دوسوسور (۲۰۰۵) مقصود از دستکاری در یک گفتمان را به کاربردن راهبردی تعریف می‌کند که بدون آن تغییر نظر و باور افراد ممکن نیست. به اعتقاد وی بهترین معیار برای تشخیص این که گفتمانی، گفتمان دستکاری است یا نه، توجه به نیت و مقصود گوینده است. به این ترتیب گفتمان دستکاری به معنی استفاده از نوع خاصی از ساختار نحوی یا زبانی نیست، هر چند برخی ویژگی‌های زبانی می‌تواند در این گفتمان‌ها بیشتر

1. manipulation
2. Wray
3. linguistic manipulation
4. Day
5. Messaris

یا کمتر دیده شود؛ بلکه به معنی نقش خاصی است که این موارد در سطح کاربرد شناختی ایفا می‌کنند. در گفتمان غیبت/ بدگویی در غیاب فرد، روایتی مغرضانه و یک‌جانبه از ماجرای ارائه می‌شود و راهکارهایی که در گام‌ها و گامک‌های مختلف بدگویی به کار بسته می‌شود، همگی برای رسیدن گوینده به هدف خود است که می‌تواند به دست آوردن دلداری و تأیید شدن از سوی مخاطب و تغییر دادن نظر او نسبت به غیبت‌شونده باشد، چنان‌که اگر ماجرا به شکل دیگری برای مخاطب مطرح شود گوینده را به هدف خود نخواهد رساند.

فان دیک (۲۰۰۶) همچنین معتقد است جنبه شناختی دستکاری، حافظه بلندمدت را نیز هدف قرار می‌دهد و باعث تغییرات پایدارتری در اعتقادات و باورهای افراد می‌شود. آگوستین و والکر<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) معتقدند فرض فرایندهای شناختی دستکاری این است که حافظه بلندمدت نه تنها تجربیات شخصی را به‌عنوان مدل‌های ذهنی ذخیره می‌کند، بلکه باورهای مشترکی که بیشتر اجتماعی و عمومی هستند تا فردی و پایدارتر و مانا تر هستند را نیز نگهداری می‌کند. به‌نظر می‌رسد غیبت/ بدگویی درباره یک فرد چنان‌چه مدام تکرار شود و یا از سوی افراد مختلفی صورت گیرد حافظه بلندمدت را نیز متأثر سازد و تأثیری پایدار و مانا در مخاطب باقی گذارد. فان دیک (۲۰۰۶: ۳۷۱) بر این باور است که دستکاری شناخت اجتماعی می‌تواند آن هنجارها و ارزش‌هایی که برای ارزیابی افراد و رویدادها به کار می‌رود تحت تأثیر قرار دهد و اعمال و فعالیت‌ها را مشروع جلوه دهد و یا محکوم نماید. در یک مقیاس کوچک‌تر می‌توان جامعه اقوام، دوستان، همکاران و... را نیز یک جامعه در نظر گرفت. و آن‌گاه بهره‌گیری از راهبرد دستکاری در بدگویی/ غیبت از یک فرد می‌تواند نظر کل آن جامعه را درباره وی تغییر دهد. فان دیک (۲۰۰۳؛ ۲۰۰۶) استراتژی کلی خود مثبت‌نمایی<sup>۲</sup> و دیگری منفی‌نمایی<sup>۳</sup> را امری متداول و عادی در ترسیم روایت‌های مغرضانه از رویدادها به سود منافع گوینده یا نویسنده می‌داند. بیان کنش‌های کلامی کلان که حاکی از کنش‌های "خوب" ما و کنش‌های "بد" آنهاست برای این منظور به کار می‌رود، مانند:

- اتهام، دفاع؛
- نسبت دادن شرایط و رویدادهای منفی به دیگری و یا دشمن؛
- (عدم) تأکید بر موضوع‌های مثبت/ منفی درباره خود/ دیگری؛
- انتخاب واژه‌های مثبت برای خود، و واژه‌های منفی برای دیگری؛
- مبالغه‌ها در مقابل حسن‌تعبیرها برای معانی مثبت/ منفی؛ مجازها/ استعاره‌ها که بر ویژگی‌های مثبت/ منفی خود/ دیگری تأکید می‌کند؛ جمله‌های معلوم در مقابل جمله‌های مجهول؛
- ارائه جزئیات کم/ زیاد، کل‌گویی/ معین‌گویی، مبهم‌گویی/ دقیق‌گویی، صریح‌گویی/ پوشیده‌گویی و... . مثال‌های (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۳۱) نمونه‌هایی است که به‌خوبی موارد مطرح‌شده اخیر را نشان می‌دهد.

1. Augoustinos and Walker  
2. positive self-presentation  
3. negative other-representation

## ۶- نتیجه‌گیری

به غیبت/ بدگویی بیشتر از منظری دینی و اخلاقی پرداخته شده است. تعداد بی‌شمار کتبی که به‌طور مجزا یا در کنار موضوعات دیگر این پدیده را مورد مذاقه قرار داده‌اند اهمیت آن را در فرهنگ ما آشکار می‌کند. از این‌رو کوشیدیم تا در این پژوهش از نگاهی زبان‌شناختی این موضوع را مورد ملاحظه قرار دهیم. برای این منظور ۱۶ مورد از بدگویی/ غیبت‌هایی که در خلال گفت‌وگوهای روزمره افراد یعنی در جریان رخداد‌های کلامی بزرگ‌تر انجام گرفته بودند بر طبق دیدگاه بایر، کارنر و اُپتون (۲۰۰۷) و ساسانی و یزدانی (۱۳۹۲) تحلیل شد تا گام‌ها و گامک‌های تشکیل‌دهنده آنها مشخص شود. از این گذشته چگونگی بهره‌برداری غیبت‌کنندگان از راهبرد دستکاری برای رسیدن به مقصود خود نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تقطیع غیبت‌ها نشان داد، غیبت/ بدگویی ۶ گام اصلی دارد که عبارت است از «گام پیش‌درآمد، گام بدگویی/ غیبت، گام ناهمراهی، گام گریز، گام دل‌داری و گام پایان» که هر کدام راهبردهای خود را دارند. گام بدگویی/ غیبت که بزرگ‌ترین گام در این دست‌گفت‌وگوهاست خود از ۴ گامک تشکیل می‌شود که عبارت است از «گامک انگیزه، گامک همراهی، گامک چرایی، و گامک تعلیق». گامک انگیزه در تمام بدگویی‌ها وجود دارد و به لحاظ ترتیب همیشه اولین گامک محسوب می‌شود، اما سه گامک دیگر با ترتیب ثابتی ظاهر نمی‌شوند. جابه‌جایی گامک‌ها، تلفیق گامک‌ها و گسستگی در گامک‌ها جداکردن آنها از یکدیگر و نیز قائل شدن به یک ترتیب ثابت برای آنها را دشوار و یا ناممکن می‌کند. گامک همراهی و گامک تعلیق در توزیع تکمیلی‌اند. غیبت‌کننده(گان) با توسل به راهبرد دستکاری و با "بزرگ‌نمایی، مظلوم‌نمایی، ارائه تصویری مثبت از خود و تصویری منفی از دیگری، ارائه روایتی یک‌جانبه یا مغرضانه از ماجرا، و ... می‌کوشد بر شناخت مخاطب تأثیر گذارد و او را به اندیشیدن و عمل کردن در جهتی که مقصود خود است وا دارد.

به این ترتیب پذیرش گامک انگیزه به معنی پذیرفتن نقش قربانی در گفتمان دستکاری است و مخاطب می‌پذیرد تا آن‌گونه که مقصود گوینده است ببیند و رفتار کند. شرکت در غیبت/ بدگویی و تعامل در گامک همراهی آشکارا نمایان‌گر اندیشیدن و رفتار کردن در همان چارچوبی است که نیت گوینده را ارضا می‌کند. از سوی دیگر گام ناهمراهی و گام گریز تسلیم نشدن در برابر راهبرد دستکاری است و مخاطب می‌کوشد تا استقلال اندیشه و عملکرد خود را حفظ کند و آن را متأثر از نیت دیگری قرار ندهد.

## منابع

- رفیعی‌نژاد، آتوسا (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای آرزو در نوشته‌های کودکان بازمانده از تحصیل و کودکان مدرسه‌های عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- ساسانی، فرهاد و حسینی کیونانی، نینا (۱۳۹۵). «بررسی چینش متن التماس‌نامه‌های برگه‌های امتحانی: مطالعه گام‌ها و گامک‌ها»، *دوماهنامه جستارهای زبانی*. د ۷، ش ۴ (پیاپی ۳۲): ۱۰۳-۱۲۳.



- ساسانی، فرهاد و یزدانی، نسترن (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر چینش سازه‌های متن بر کنش کلامی کلان در گفت‌وگوهای روزمره»، مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی و مطالعات بینارشته‌ای: مطالعات اجتماعی و فرهنگی زبان، به کوشش فرهاد ساسانی، ۱۴۳-۱۶۸.
- فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۲). *المحجّه البيضاء*، جلد ۵، مشهد، انتشارات آستان قدس.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۷۸). *معراج السعادة*، قم، انتشارات هجرت.
- Alahmad, G. (2012). "What do Islamic Institutional fatwas say about medical and research confidentiality and breach of confidentiality?" *Developing World Bioethics*. Vol. 12.
- Augoustinos, M. and Walker, I. (1995). *Social Cognition: An Integrated Introduction*. London: Sage.
- Bazerman, C. (1997). "The life of genre, the life in the classroom". In W. Bishop & H. Ostrum (Eds.), *Genre and Writing*. Pp. 19-26. Portsmouth NH: Boynton/Cook.
- Bhatia, V. (1993). *Analyzing Genre: Language Use in Professional Settings*. London: Longman.
- Bhatia, V. (2002). "A generic view of academic discourse", In J. Flowerdew (ed.), *Academic Discourse*. Pp.21-39. New York NY: Longman.
- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *Longman Grammar of Spoken and Written English*, London: Pearson Education.
- Biber, D.; U. Connor & T.A Upton (2007). *Discourse on the move: Using Corpus Analysis to Describe Discourse Structure*, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Connor, U. & A. Mauranen (1999). "Linguistic Analysis of grant proposals: European union research grants". *English for specific purposes*. Vol. 18(1), 47-62.
- Connor, U., Davis, K., & De Rycker, T. (1995). "Correctness and clarity in applying for overseas jobs: A cross-cultural analysis of US and Flemish applications". *Text*. 15(4): 457-475.
- Conrad, S. (2001). "Variation among disciplinary texts: A comparison of textbooks and journal articles in biology and history". In S. Conrad & D.Biber (eds.), *Variation in English: Multidimensional Studies*. 94-107. London: Longman.
- Day, N. (1999). *Advertising: Information or Manipulation?* Springfield, NJ: Enslow.
- De Saussure, L. (2005). "Manipulation and Cognitive Pragmatics: Preliminary Hypotheses". In de Saussure Louis & Peter Schulz (Eds), *Manipulation and Ideologies in the twentieth Century: Discourse, Mind*. Amsterdam-Philadelphia, John Benjamins. 113-146.
- Ding, H. (2007). "Genre analysis of personal statements: Analysis of moves in application essays to medical and dental schools". *English for specific purposes*. 26 (3): 368-392.
- Fairclough, N. (2001). Manipulation. In R. Mesthrie (Ed.), *concise encyclopedia of sociolinguistics*. Amsterdam: Elsevier.
- Ferguson, C.A. (1983). "Sports announcer talk: Syntactic aspects of register Variation". *Language in Society*, 12, 153-172.
- Hasrati, M; A. Gheitury & N. Hooti (2010). "A genre analysis of Persian research article abstracts: Communicative moves and author identity". *Iranian Journal of Applied language Studies*. 2(2), 47-74.
- Hymes, D. (1984). "Sociolinguistics: Stability and consolidation". *International Journal of the Sociology of Language*, 45, 39-45.

- Martin, J. R. (1985). “Process and text: Two aspects of human semiosis”. In J.D. Benson & W.S. Greaves (eds.), *Systemic Perspectives on Discourse*. Vol.1. pp.248-274.
- Mehrpour, s. & M. Mehrzad (2013). “A comparative genre analysis of English business E-mails written by Iranian and native English speakers”. *Theory and Practice in language Studies*. 3(12), pp. 2250-2261.
- Messaris, P. (1997). *Visual Persuasion: The Role of Images in Advertising*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Nazamul Hoque; M. Aktaruzzaman Khan; Md. Masrurul Mowla (2013). “Organisational culture: features and framework from Islamic perspective”. *Humanomics*.
- Swales, J.M. (1981). *Aspects of Article Introductions*. Aston ESP Research Report No. 1: Language Studies Unite. Birmingham, UK: University of Aston in Birmingham.
- Swales, J.M. (1990). *Genre Analysis: English in Academic and Research settings*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Swales, J.M. (2004). *Research Genres: Explorations and Applications*. Cambridge: CUP.
- Tannen, D. (1984). *Conversational Style: Analyzing Talk among Friends*. Norwood NJ: Ablex.
- Tannen, D. (1989). *Talking Voices: Repetition, Dialogue, and Imagery in Conversational Discourse*. Cambridge: CUP.
- Upton, T. & M.A. Cohen (2009). “An approach to corpus-based discourse analysis: The move analysis as example”. *Discourse Studies*. 11 (5), pp. 585-605.
- Upton, T. & U. Connor (2001). “Using computerized corpus analysis to investigate the text linguistic discourse moves of a genre”. *English for Specific Purposes*. Pp. 313-329.
- Van Dijk, T.A (1997). “Discourse as structure and process”. *Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. Vol.1. Thousand Oaks CA: Sage.
- Van Dijk, T.A. (2003). *Ideologia y discurso*. Barcelona: Ariel.
- Van Dijk, T.A. (2006).” Discourse and manipulation”. *Discourse & Society*, 17 (3), 359-383.
- Van Leeuwen, T. (2005). *Introducing Social Semiotics*. London: Routledge.
- Ventola, K. (1984). *On Noun Phrase Structure in Engineering English*. Turku: University of Turku.
- Wray, A. (2009). “Formulaic Language”. In J.L. Mey (Ed.), *concise encyclopedia of pragmatics*. Amsterdam: Elsevier Ltd. 2<sup>nd</sup> ed. pp. 265-271.